



توسعه اقتصادی و برنامه ریزی

(رشته حسابداری و مدیریت)

دکتر یگانه موسوی جهرمی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتاب‌های دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف یک درس در یک یا چند رشته دانشگاهی، به صورت کتاب درسی، متن آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک‌درسی چاپ می‌شوند.

کتاب درسی ثمره کوشش‌های علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصل‌های مصوب تهیه و پس از داوری علمی، طراحی آموزشی، و ویرایش علمی در گروه‌های علمی و آموزشی، به چاپ می‌رسد. پس از چاپ ویرایش اول اثر، با نظرخواهی‌ها و داوری علمی مجدد و با دریافت نظرهای اصلاحی و متناسب با پیشرفت علوم و فناوری، صاحب اثر در کتاب تجدیدنظر می‌کند و ویرایش جدید کتاب با اعمال ویرایش زبانی و صوری جدید چاپ می‌شود.

متن آزمایشگاهی (م) راهنمایی است که دانشجویان با استفاده از آن و کمک استاد، کارهای عملی و آزمایشگاهی را انجام می‌دهند.

کتاب‌های فرادرسی (ف) و **کمک‌درسی** (ک) به منظور غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه و بر روی لوح فشرده تکثیر می‌شوند و یا در وبگاه دانشگاه قرار می‌گیرند.

مدیریت تولید مواد و تجهیزات آموزشی

فهرست مطالب

پیشگفتار	نه
راهنمای مطالعه	پانزده
نکاتی در شیوه‌های مطلوب تدریس	هجده
فصل اول. رشد اقتصادی	۱
۱-۱ مقدمه	۱
۲-۱ تعریف رشد اقتصادی	۲
۳-۱ فرآیند رشد اقتصادی و عوامل مؤثر بر آن	۳
۴-۱ فواید و هزینه‌های رشد اقتصادی	۸
۵-۱ رشد اقتصادی و دولت	۹
۶-۱ رشد مدرن اقتصادی کوزنتس	۱۳
خلاصه فصل اول	۱۶
خودآزمایی فصل اول	۱۸
فصل دوم. توسعه اقتصادی	۲۱
۱-۲ مقدمه	۲۲
۲-۲ فرآیند تاریخی توسعه در کشورهای توسعه‌یافته	۲۳
۳-۲ تعریف و مفهوم توسعه اقتصادی	۲۴
۴-۲ تقسیم‌بندی جوامع براساس سطح توسعه آن‌ها	۲۷
۵-۲ شاخص‌های توسعه اقتصادی	۲۸
۶-۲ موانع توسعه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته	۳۴
۷-۲ ویژگی‌های مهم توسعه اقتصادی	۴۱
۸-۲ سیاست‌های توسعه اقتصادی	۴۴
۹-۲ توسعه پایدار	۴۵

۴۸	خلاصه فصل دوم
۵۱	خودآزمایی فصل دوم
۵۳	فصل سوم. نظریه‌های توسعه اقتصادی
۵۴	۳-۱ مقدمه
۵۵	۳-۲ نظریه آدام اسمیت
۵۹	۳-۳ تئوری ریکاردو
۶۹	۳-۴ تئوری مالتوس
۸۳	۳-۵ تئوری مارکس
۹۰	۳-۶ تئوری شومپتر
۹۴	۳-۷ تئوری لوئیس
۹۸	۳-۸ تئوری روستو
۱۰۴	۳-۹ تئوری میردال
۱۰۸	خلاصه فصل سوم
۱۱۵	خودآزمایی فصل سوم
۱۱۹	فصل چهارم. استراتژی‌های توسعه اقتصادی
۱۲۱	۴-۱- مقدمه
۱۲۲	۴-۲ رشد متوازن و نامتوازن
۱۲۲	۴-۲-۱- نظریه رشد متوازن
۱۳۰	۴-۲-۲- نظریه رشد نامتوازن
۱۳۵	۴-۲-۳ مقایسه دو نظریه رشد متوازن و نامتوازن
۱۳۶	۴-۳ استراتژی‌های عملی
۱۳۶	۴-۳-۱ استراتژی پولی
۱۳۷	۴-۳-۲ استراتژی اقتصاد باز
۱۳۸	۴-۳-۳ استراتژی صنعتی شدن
۱۴۱	۴-۳-۴ استراتژی انقلاب سبز
۱۴۲	۴-۳-۵ استراتژی سوسیالیستی توسعه
۱۴۲	۴-۳-۶ استراتژی متنوع سازی تولیدات صنعتی
۱۴۲	۴-۳-۷ استراتژی تعدیل ساختاری
۱۴۳	۴-۳-۸ استراتژی تجاری
۱۴۴	۴-۳-۹ استراتژی توسعه فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات
۱۴۵	۴-۳-۱۰ استراتژی مبتنی بر سرمایه‌گذاری خارجی
۱۵۰	خلاصه فصل چهارم
۱۵۴	خودآزمایی فصل چهارم
۱۵۹	فصل پنجم. الگوهای رشد اقتصادی
۱۶۰	۵-۱- مقدمه
۱۶۱	۵-۲ مفاهیم کاربردی مدل‌های رشد
۱۶۲	۵-۳ مدل رشد هارود-دومار
۱۶۷	۵-۴ مدل‌های رشد نئوکلاسیک

۱۶۷	۱-۴-۵ مدل رشد سولو بدون پیشرفت تکنولوژی
۱۷۰	۲-۴-۵ مقایسه دو مدل سولو و هارود-دومارد
۱۷۲	۳-۴-۵ مدل رشد سولو با پیشرفت تکنولوژی
۱۷۴	خلاصه فصل پنجم
۱۷۶	خودآزمایی فصل پنجم
۱۷۹	فصل ششم. آموزش و پرورش، دانش و توسعه اقتصادی
۱۸۰	۱-۶ مقدمه
۱۸۴	۲-۶ نقش آموزش و پرورش در رشد و توسعه اقتصادی
۱۸۶	۳-۶ انواع آموزش و پرورش
۱۹۳	۴-۶ وضعیت آموزش و پرورش در کشورهای در حال توسعه
۱۹۸	۵-۶ اقتصاد آموزش محور
۲۰۰	۶-۶ جایگاه دانش در نظریه های رشد و توسعه اقتصادی
۲۰۲	۷-۶ اقتصاد دانش محور
۲۰۷	خلاصه فصل ششم
۲۰۹	خودآزمایی فصل ششم
۲۱۱	فصل هفتم. تکنولوژی و توسعه اقتصادی
۲۱۲	۱-۷ مقدمه
۲۱۳	۲-۷ علم، دانش و تکنولوژی
۲۱۷	۳-۷ فرآیند توسعه (چرخه عمر) تکنولوژی
۲۱۸	۴-۷ اجزاء تکنولوژی
۲۱۹	۵-۷ مفهوم تکنولوژی در اقتصاد
۲۲۲	۶-۷ آثار تحولات تکنولوژی
۲۲۴	۷-۷ تکنولوژی و توسعه اقتصادی
۲۲۶	۸-۷ انتقال تکنولوژی و روش های آن
۲۳۲	خلاصه فصل هفتم
۲۳۴	خودآزمایی فصل هفتم
۲۳۷	فصل هشتم: توزیع درآمد و توسعه اقتصادی
۲۳۸	۱-۸ مقدمه
۲۴۰	۲-۸ رابطه رشد و توسعه اقتصادی با توزیع درآمد
۲۴۲	۱-۲-۸ نظریه کوزنتس
۲۴۴	۲-۲-۸ نظریه کالدور
۲۴۴	۳-۲-۸ رویکرد جدید
۲۴۶	۳-۸ عوامل مؤثر بر نابرابری در توزیع درآمدها
۲۴۷	۴-۸ نقش دولت در توزیع درآمد
۲۴۸	۵-۸ نظریه توزیع در مکتب اقتصادی اسلام
۲۵۰	۶-۸ توزیع درآمد از دیدگاه تئوری
۲۵۰	۱-۶-۸ توزیع مقداری درآمد یا توزیع شخصی
۲۵۱	۲-۶-۸ توزیع درآمد مبتنی بر نظریه بهروری نهایی

۲۵۱	۷-۸ شاخص‌های اندازه‌گیری نابرابری توزیع درآمد
۲۵۱	۱-۷-۸ منحنی لورنز
۲۵۳	۲-۷-۸ ضریب جینی
۲۵۵	۳-۷-۸ مقایسه گروه‌های درآمدی
۲۵۵	خلاصه فصل هشتم
۲۵۷	خودآزمایی فصل هشتم
۲۵۹	فصل نهم. برنامه‌ریزی اقتصادی
۲۶۰	۱-۹ مقدمه
۲۶۲	۲-۹-۲ تعریف برنامه‌ریزی اقتصادی
۲۶۶	۳-۹ تاریخچه برنامه‌ریزی اقتصادی
۲۷۱	۴-۹ ویژگی‌های برنامه‌ریزی اقتصادی
۲۷۲	۵-۹ شرایط لازم برای کسب موفقیت برنامه‌ریزی اقتصادی
۲۷۸	۶-۹ انواع برنامه‌ریزی اقتصادی
۲۸۹	۷-۹ برنامه‌ریزی توسعه
۲۹۰	۱-۷-۹ سابقه برنامه‌ریزی توسعه
۲۹۳	۲-۷-۹ فرآیند برنامه‌ریزی توسعه
۲۹۷	خلاصه فصل نهم
۲۹۹	خودآزمایی فصل نهم
۳۰۳	فصل دهم. تجربه کشورهای جنوب شرق آسیا در توسعه اقتصادی
۳۰۴	۱-۱۰ مقدمه
۳۰۶	۲-۱۰ توسعه اقتصادی چین
۳۱۳	۳-۱۰ توسعه اقتصادی کره جنوبی
۳۲۴	۴-۱۰ توسعه اقتصادی تایوان
۳۲۵	۵-۱۰ توسعه اقتصادی مالزی
۳۲۴	خلاصه فصل دهم
۳۴۷	خودآزمایی فصل دهم
۳۵۱	پاسخ‌نامه
۳۵۵	فهرست منابع
۳۶۱	فهرست راهنما

تقدیم به همسرم،
که همواره یار و یاور است.

پیشگفتار

از زمان استقلال علم اقتصاد از سایر علوم، در سال ۱۷۷۶ (زمان انتشار کتاب ثروت ملل آدام اسمیت، پیشگامان این علم در چارچوب عقاید و نظرات خود به مقوله رشد و توسعه اقتصادی عنایت داشته‌اند. آن‌ها ضمن پرداختن به تعریف و بیان مفهوم رشد و توسعه اقتصادی، درباره عوامل مؤثر بر آن اظهار نظر و بحث کرده‌اند. لیکن، علم اقتصاد توسعه به‌عنوان شاخه‌ای تخصصی و مجزا از علم اقتصاد پس از پایان جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵ میلادی) مطرح شد. اقتصاددانان مختلف در این حوزه در قالب مطالعات علمی و تجربی گوناگون، تئوری‌ها و نظریات متعددی ارائه کرده‌اند. به‌طور کلی، عنوان می‌شود شکل‌گیری تفکر اقتصاد توسعه حاصل توجه سیاستمداران، احزاب و افکار عمومی به همراه یک استدلال و توجیه علمی است که در قالب سه پدیده زیر بیان می‌شود:

نخست، انقلاب اکبر روسیه که در سال ۱۹۱۷ میلادی شروع شده بود و در دهه‌های ۳۰، ۴۰ و ۵۰ قرن بیستم میلادی در دوران استالین ادامه یافت. در آن دوران در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (سابق) سیاست صنعتی شدن سریع با نفوذ کامل دولت و با هزینه‌های اجتماعی - انسانی زیاد و بدون انعکاس این هزینه‌ها در افکار عمومی اجرا شد. این سیاست بدون توجه به هزینه‌ها و پیامدهای آن مورد توجه کشورهای در حال توسعه قرار گرفت. دوم، پیدایش تفکر دخالت دولت در امور اقتصادی که منشأ آن انقلاب کینز و موفقیت راهبردی آن در حل بحران دهه ۱۹۳۰ (م) بود. این تفکر نیز دارای پشتوانه و توجیهات علمی بود.

سوم، پس از خاتمه جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵م)، از یکسو کشورهای درگیر جنگ با ویرانی‌ها و نابسامانی‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روبه‌رو بودند. آن‌ها برای جبران فرصت‌های از دست‌رفته و خسارت‌های وارده به ارائه نظرات، چاره‌اندیشی و اقدامات مؤثر پرداختند. از سوی دیگر، بسیاری از کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره آفریقایی و آمریکای لاتین با پیدایش نهضت‌های استقلال طلبانه در گشه و کنار جهان و با تأسیس سازمان ملل متحد (۱۹۴۵م)، به استقلال دست یافتند. این کشورها، با وجود دستیابی به استقلال، با پدیده عقب‌ماندگی مواجه شده بودند. لذا برای یافتن علل عقب‌ماندگی و کاهش فاصله و اختلاف با کشورهای توسعه‌یافته تلاش کردند.

دولت در دو دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ (م) نقش فعالی در اقتصاد داشت. اما طرفداران این نقش دولت، به دلیل ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی آن، مانند سیاست صنعتی شدن مبتنی بر جانشینی واردات، با انتقادات شدیدی روبه‌رو شدند. در نتیجه از دهه ۱۹۶۰ (م) دیدگاه کاهش نقش فعال دولت در اقتصاد و توسعه اقتصادی کشورها مطرح شد. رویارویی اقتصاد بسیاری از کشورها، به‌ویژه کشورهای پیشرفته، با معضل تورم رکودی در دهه ۱۹۷۰ (م)، به دلیل افزایش شدید قیمت جهانی نفت، موجب دامن زدن به رواج این دیدگاه گردید. همچنین، تا دهه ۱۹۷۰ (م) تمرکز نظریه‌ها و سیاست‌گزاران اقتصادی بر رشد شتابان بدون عنایت خاص و بعضاً بی‌توجهی به مقوله عدالت اجتماعی بود.

دهه ۱۹۷۰ (م) سرآغازی برای تجدید نظر اساسی در رویکردهای علمی به توسعه و بعد کمی آن، یعنی رشد اقتصادی، بود. در نتیجه از دهه ۱۹۸۰ (م) تا کنون بر مواردی مانند: لزوم تغییر عوامل غیر کمی (نگرش افراد جامعه، فرهنگ، سازمان‌ها و نهادها)، توجه به نقش نیروی کار در قالب سرمایه انسانی، برقراری عدالت اجتماعی و عدالت بین نسل‌ها همگام با رشد اقتصادی، توجه به نقش فن‌آوری و دانش، در فرآیند توسعه اقتصادی تأکید شده است. به هر حال، مقوله رشد و توسعه اقتصادی هم‌چنان، برای هر دو گروه کشورهای توسعه‌یافته و نیافته، بنابر دلایل متفاوت، از اهمیت و جذابیت خاصی برخوردار است. کشورهای توسعه‌یافته بر اساس پویایی نهادینه شده در نظام علمی، تکنولوژی و تولیدی و ماهیت نوسانی اقتصادشان (رویارویی با دوره‌های رونق و رکود)، در پی تداوم رشد و توسعه و بعضاً حفظ نرخ رشد اقتصادی خود می‌باشند. حال آن‌که کشورهای توسعه‌نیافته برای مهیا نمودن شرایط، زمینه‌ها و زیرساخت‌های لازم برای رشد و توسعه

اقتصادی و دستیابی به سطح مناسبی از توسعه یافتگی در پی یافتن راه حل (های) کارساز می باشند. به همین جهت سعی شده است در تألیف و تدوین کتاب حاضر، علاوه بر در نظر داشتن سرفصل مصوب دروس "اقتصاد توسعه" و "توسعه اقتصادی و برنامه ریزی"، به مباحث هایی از این حوزه پرداخته شود که به درک علمی دانشجویان در رابطه با مفاهیم و اصطلاحات پایه ای و کلیدی کمک نماید. هم چنین، تلاش شده آنان با نظریه ها و موضوعات مطرح و بنیادی در این زمینه، در طیفی از دیدگاه آدام اسمیت، به عنوان پدر علم اقتصاد، تا دیدگاه های جدید آشنا شوند.

براین اساس، کتاب پیش رو می تواند به عنوان منبع درس "اقتصاد توسعه"، از دروس اصلی دوره کارشناسی رشته اقتصاد (با گرایش های مختلف)، و با حذف برخی فصول (مانند فصل پنجم) به عنوان منبع درس "توسعه اقتصادی و برنامه ریزی"، از دروس پایه ای دوره کارشناسی رشته های مدیریت و حسابداری، معرفی و استفاده شود.

این کتاب مشتمل بر ده فصل به شرح زیر تدوین گردیده است:

در اغلب موارد دو واژه «رشد»^۱ و «توسعه»^۲ به صورت مترادف به کار برده می شود. در کتاب های اقتصاددانان اولیه هر کجا واژه رشد (Growth) آمده بلافاصله واژه توسعه (Development) هم آمده است. در واقع در تفکر آن ها نمی گنجیده که می تواند در بلندمدت رشد ایجاد شود اما توسعه به وجود نیاید. در این مورد آرتو لوئیس می نویسد:^۳

«اغلب اقتصاددانان در تجزیه و تحلیل روند تغییرات اقتصادی به واژه رشد اتکا می کنند و تنها گاهی از مواقع برای تنوع، از کلمات پیشرفت^۴ و توسعه بهره می برند.»

لوئیس، این دو کلمه را مترادف به کار برده است. اما این دو واژه علی رغم شباهت ظاهری، مفاهیم جداگانه ای دارند و بسیاری از اقتصاددانان در عمل بین این دو واژه تمایز قائل می شوند. از این رو، در دو فصل اول و دوم، به طور جداگانه و به ترتیب، درباره رشد و توسعه اقتصادی و مطالب مطرح در خصوص هر یک بحث شده است

در فصول سوم الی پنجم، به ترتیب، برخی از نظریه های توسعه اقتصادی و روش های دستیابی به آن، در دو قالب نظری و تجربی، و الگوهای رشد اقتصادی تشریح

1. Growth

2. Development

3. Artur, Lewis, The Theory of Economic Growth, London and Homewood, Ill., 1955

4. Progress

شده است. با مطالعه این فصول شناختی از عوامل مؤثر بر رشد و توسعه اقتصادی و چگونگی دستیابی به آن، از منظر اقتصاددانان مختلف، حاصل می‌شود.

از اواخر قرن بیستم (به ویژه از دهه ۱۹۸۰ میلادی) به بعد، بر اساس:

- طرح دیدگاه‌هایی مبتنی بر تأکید بر نقش برخی از عوامل مؤثر بر رشد و توسعه اقتصادی، مانند نیروی انسانی، پیشرفت فنی و دانش؛

- تجربه کشورهای آمریکای لاتین در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ (م)، آسیای جنوب شرقی و آسیای شرقی در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ (م)، تجربه چین در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ (م) و تجربه هند در دهه ۱۹۹۰ (م)؛

- مد نظر قرار گرفتن انتقال از اقتصاد منابع محور به اقتصاد آموزش محور، اقتصاد دیجیتال، اقتصاد اطلاعات و اقتصاد دانش محور، توسط کشورهای جهان؛

قالب طرح نظریه‌ها تغییر کرد. از این‌رو، نظریه پردازان مباحث خود را بعضاً در چارچوب مطالب مربوط به عامل (عوامل) مؤثر مورد نظر بر رشد و توسعه اقتصادی و یا در چارچوب مدل‌های رشد ارائه کرده‌اند. از این‌رو، در فصول ششم و هفتم، به ترتیب، درباره آموزش و پرورش، دانش و توسعه اقتصادی، تکنولوژی و توسعه اقتصادی بحث شده است. هم‌چنین، در این فصول مطالبی برای ایجاد شناخت بیشتر در مورد آموزش و پرورش، دانش و تکنولوژی ارائه شده است.

یکی از مهم‌ترین اهداف توسعه اقتصادی گسترش رفاه عمومی است. این رفاه در سایه عدالت اجتماعی حاصل می‌شود و توزیع درآمد عمده‌ترین بازوی تحقق عدالت اجتماعی است. بدین‌سان اندیشه‌ای نو در قلمرو توسعه اقتصادی به‌وجود آمد. اندیشه‌ای که تکیه بر توسعه، با توجه به عدالت اجتماعی دارد. بنابراین، در فصل هشتم نظریه‌ها و مطالب مربوط به توزیع درآمد و توسعه اقتصادی ارائه شده است.

در چند دهه گذشته، برنامه‌ریزی اقتصادی به‌عنوان ابزار سیاستی مؤثر برای توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورهای در حال توسعه پذیرفته شده و رواج یافته است. هر چند که "برنامه‌ریزی اقتصادی" به‌عنوان درس اختصاصی اجباری در دوره کارشناسی رشته اقتصاد نظری ارائه می‌شود اما در آن درس به روش‌ها و مدل‌های برنامه‌ریزی اقتصادی پرداخته می‌شود. حال آن‌که در کتاب حاضر با هدف آشنایی کلی با برنامه‌ریزی اقتصادی و اختصاص فصل نهم به این مهم، درباره تاریخچه، انواع و

ویژگی‌های برنامه‌ریزی اقتصادی و شرایط لازم برای کسب موفقیت در آن، و سابقه فرآیند برنامه‌ریزی توسعه بحث شده است.

از توسعه اقتصادی کشورهای جنوب شرق آسیا به عنوان معجزه سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه نام برده می‌شود. بر این اساس، در فصل دهم، با انتخاب چهار کشور، چین، کره جنوبی، تایوان و مالزی، و بررسی برنامه‌ها، سیاست‌ها و استراتژی‌های اقتصادی آن‌ها، تجربه کشورهای جنوب شرق آسیا در توسعه اقتصادی تشریح شده است. با توجه به اهمیت و گستردگی موضوع "توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی" تردیدی نیست که موضوعات دیگری نیز وجود دارد که می‌تواند در افزایش دانش، قدرت درک و تجزیه و تحلیل مسائل مربوط به رشد و توسعه اقتصادی، دانشجویان مؤثر باشد اما چنین هدفی در چارچوب یک کتاب و یک درس (سه واحدی) نمی‌گنجد و نیازمند مطالعه بیشتر و مراجعه به منابع دیگر در این حوزه است. بنابراین، در انتهای کتاب به‌منظور آشنایی دانشجویان با منابع بیشتر و استفاده از آن‌ها، فهرست برخی از منابع و مأخذ که در تألیف کتاب نیز از آن‌ها بهره‌برداری شده، معرفی گردیده است.

در پایان فرصت را مغتنم شمرده و از همکاران ارجمند خود در گروه اقتصاد دانشگاه پیام نور، جناب آقای دکتر عبدالعلی منصف، ویراستار علمی کتاب، و جناب آقای دکتر فرهاد خدادادکاشی که با صرف وقت و راهنمایی‌های ارزنده مرا در به ثمر رساندن این اثر یاری نمودند، سپاسگزاری می‌شود. هم‌چنین، از جناب آقای دکتر موسی کاظمی، مدیریت محترم تولید و مواد آموزشی دانشگاه، و معاون محترم ایشان، جناب آقای محمد باقر اکبری، که با تلاش فراوان و توجه ویژه، امکان چاپ کتاب را فراهم آوردند، سپاسگزاری می‌شود.

جا دارد از آقای آیت زائر و خانم‌ها نیکو ایوبی‌زاده، ارغوان فرزین معتمد و نرگس خاکی به جهت همکاری بی‌دریغشان در زمینه جستجو و تهیه منابع و بازخوانی برخی فصول تشکر شود. هم‌چنین، از خانم مهناز صفایی، کارشناس محترم گروه اقتصاد، که نمونه‌خوانی کتاب را، علاوه بر زحمات اداری دیگر، عهده‌دار بودند، و خانم زینب حیدری عراقی، همکار محترم مدیریت تولید و مواد آموزشی، که با دقت و بردباری به حروفچینی و صفحه‌آرایی کتاب پرداختند، تشکر می‌شود.

یگانه موسوی جهرمی

بهار ۱۳۸۸

راهنمای مطالعه

دانشجوی عزیز، کتاب حاضر به عنوان منبع درس سه واحدی در حوزه "اقتصاد توسعه" مشتمل بر ده فصل تدوین گردیده است.

هشت فصل نخست، با هدف فراهم ساختن زمینه‌های آشنایی دانشجویان با تفکر اقتصاددانان و نظریات آنان در مورد مفهوم و تعریف، عوامل مؤثر بر رشد و توسعه اقتصادی، الگوهای رشد و همچنین سیاست‌ها و راهبردهای دست‌یابی به آن تألیف و سازمان‌دهی شده است.

فصل نهم، با هدف آشنایی دانشجویان با تعریف، تاریخچه، انواع و مراحل برنامه‌ریزی به‌عنوان راهکاری اساسی برای دست‌یابی به رشد و توسعه اقتصادی طراحی و تدوین شده است.

فصل پایانی، با هدف مطالعه و آشنایی دانشجویان با فراز و نشیب، برنامه‌ها، سیاست‌ها و راهبردهای رشد و توسعه اقتصادی در عمل و در دنیای واقعی تدوین شده است.

برای اینکه بهتر بتوانید به هدف خود یعنی یادگیری مطالب کتاب دست یابید به موارد زیر توجه کنید:

* داشتن برنامه برای انجام هر کاری، از جمله مطالعه و فراگیری، مانند داشتن نقشه سفر و رفتن به راهی است که قبلاً آن را نیمه‌آموده‌اید. بدون نقشه هم می‌توانید راهی را طی کنید اما مسلماً یا به نتیجه مطلوب نخواهید رسید و یا با صرف منابع و زمان

بیشتر نتیجه‌ای نه چندان مطلوب به دست خواهید آورد.

مطالعه و فراگیری طبق برنامه‌ای با زمان‌بندی مناسب برای شما دانشجویان دانشگاه پیام‌نور اهمیت بسزایی دارد. زیرا اکنون شما در نظام آموزشی تحصیل می‌کنید که با تجربه آموزشی پیشین شما متفاوت است. شما در فرآیند یادگیری گذشته خود بعضاً متکی به کلاس و تدریس دبیر بودید حال آنکه در نظام آموزشی این دانشگاه باید اساساً متکی به کتاب، تلاش و برنامه‌ریزی خود برای یادگیری باشید. در این نظام استاد بیشتر نقش راهنما را ایفا می‌کند تا یاد دهنده. بر همین اساس مؤلف سعی نموده تا با بیان ساده و روشن مطالب در قالب کتاب خود آموز شما را در این امر یاری دهد.

کلاس در نظام آموزشی دانشگاه پیام‌نور در ساعاتی محدود و با برنامه‌ای از پیش تعیین شده، به منظور رفع اشکال تشکیل می‌شود. بنابراین، با برنامه‌ریزی صحیح خود و با عنایت به برنامه زمانبندی و بودجه‌بندی کتاب (تعیین فصول برای مطالعه هر جلسه) که توسط استاد برای شما طراحی و عرضه می‌شود، با مطالعه کامل در جلسات کلاس حاضر شوید و فرصت رفع اشکالات خود را از دست ندهید. توصیه می‌شود هنگام مطالعه حتماً سؤالات و نکات مبهم خود را یادداشت کنید تا بتوانید در جلسات رفع اشکال آن‌ها را مطرح کنید.

* هنگام حضور در جلسات رفع اشکال درس کاملاً هوشیار باشید و به سؤالات سایر دانشجویان و توضیحات استاد گوش فرا دهید. در مباحث کلاس مشارکت کنید و اگر می‌توانید از آن‌ها یادداشت مختصری بردارید و بعد از کلاس نوشته‌ها و یادداشت‌های خود را مرتب کنید و به جای مناسبی در کتاب درسی خود منتقل کنید تا در زمان مطالعه مجدد بتوانید برای درک بهتر مطالب از آن‌ها استفاده کنید.

* در ابتدای هر فصل، اهداف مورد انتظار بیان شده است. هنگام مطالعه هر یک از فصول کتاب، قبل از هر چیز لازم است به این اهداف (کلی و رفتاری) توجه کنید. زیرا آگاهی از اهداف، در شما نسبت به موضوع مورد بحث انگیزه و علاقه ایجاد می‌کند و به مطالعه شما جهت می‌دهد.

* با عنایت به موارد بالا، هنگام مطالعه مجدد با کلمات و جملات خود، مفاهیم و مطالب مهم هر فصل را خلاصه نویسی کنید؛ با این کار آن‌ها را بهتر یاد می‌گیرید.

* برای خلاصه‌نویسی از نقشه‌های ذهنی یا نمودارها و درخت یادگیری استفاده کنید.

پس از درج تاریخ و موضوع اصلی هر یادداشت خلاصه، آن‌ها را مرتب و هفتگی مرور کنید.

* میان مطالب برخی از فصول کتاب، به‌ویژه هشت فصل اول آن، با مطالبی که در درس "اقتصاد خرد و اقتصاد کلان" آشنا شده و مطالعه کرده بودید، ارتباط وجود دارد. برای فهم بهتر مطالب این فصول لازم است ابتدا، به منظور یادآوری، مطالب مربوط به دروس مذکور را مرور کنید.

* در هر فصل مجموعه‌ای از مفاهیم اساسی آموزش داده می‌شود. این مفاهیم نکات اساسی فصل هستند و بقیه مطالب و فعالیت‌ها برای یادگیری آن تنظیم شده‌اند. از این رو پس از اتمام مطالب هر فصل قسمتی تحت عنوان «خلاصه فصل» نگارش شده است که دربرگیرنده این مفاهیم است. پس از مطالعه هر فصل، تأمل در قسمت «خلاصه فصل» می‌تواند، به‌علاوه خلاصه تهیه شده توسط خودتان و تطبیق این دو و تکمیل یکی از آن‌ها، به تعمیق یادگیری در شما کمک کند. توجه داشته باشید که خلاصه فصل برای حفظ کردن و یادگیری سطحی مطالب نیست.

* در پایان هر فصل، چند نمونه پرسش با عنوان «خودآزمایی فصل» ارائه شده که پاسخ آن‌ها در انتهای کتاب آمده است. اکیداً توصیه می‌شود که پس از مطالعه کامل هر فصل ابتدا از فرآیند یادگیری خود و دستیابی به مهارت‌های پیش‌بینی شده در اهداف (کلی و رفتاری) فصل مربوطه اطمینان حاصل کنید. سپس خودآزمایی آن فصل را پاسخ دهید. همچنین توصیه می‌شود فوراً به پاسخنامه مراجعه نکنید. پاسخنامه به‌منظور مقایسه پاسخ‌های شما با جواب صحیح پرسش‌ها تهیه شده است تا بتوانید آموخته‌های خود را محک بزنید و آزمون کنید. بنابراین، همواره پس از پاسخ دادن به پرسش‌های مطرح شده در خودآزمایی فصول به پاسخنامه مراجعه کنید.

نکاتی در شیوه‌های مطلوب تدریس

همکار محترم، توجه به توصیه‌های زیر می‌تواند در غنا بخشیدن به ساعات رفع اشکال و بهره بیشتر دانشجویان از دانش و تجربه شما مؤثر باشد.

* در تدریس این کتاب از شیوه رفع اشکال گروهی و در برخی زمینه‌ها مانند مفهوم و تعریف رشد و توسعه اقتصادی، تفاوت میان آن دو، عوامل مؤثر بر آن‌ها و... از شیوه‌های تدریس فعال به‌ویژه بحث گروهی استفاده شود. بهره‌گیری از موضوعات روز در مثال‌ها و بحث‌ها، گذشته از تنوع‌آفرینی، در تسهیل امر «یادگیری و یاددهی» مؤثر است.

* مناسب است قبل از شروع کلاس، برنامه زمانبندی شده‌ای جهت رفع اشکال درس و سایر فعالیت‌های ممکن با عنایت به حجم کتاب و تعداد جلسات محدود تشکیل کلاس تهیه و در اولین جلسه کلاس به دانشجویان ارائه نمایید. توصیه می‌شود در این برنامه برگزاری حداقل یک آزمون پیش‌بینی شود. این اقدام علاوه بر آنکه می‌تواند از تکرار موضوعات جلوگیری کند و بازدهی کلاس را افزایش دهد، مثالی برای رفتار اقتصادی خواهد بود.

* گذشته از اهداف کلی که در ابتدای هر فصل مشخص شده است، اهداف رفتاری نیز در همان ابتدای فصول آمده است تا همکاران محترم از انتظارات آموزشی آگاه شوند و در فرآیند «یادگیری و یاددهی» نقش سازنده خود را بهتر ایفا نمایند.

* به‌منظور فعال شدن دانشجویان در امر یادگیری و تقویت مهارت‌های تفکر (استدلال، تشخیص، کسب، یادآوری، تجزیه و تحلیل و ...)، همکاران محترم می‌توانند با مشارکت خود آنان، نمونه‌های خودآزمایی در پایان هر فصل را گسترش دهند.

* از طرح مقولات جزئی و مباحث جنبی دامنه‌دار که ارتباط مستقیم به درس ندارد و گاه در جریان آموزش اختلال ایجاد می‌کند، پرهیز شود.

* به‌منظور تقویت مهارت پژوهش و ایجاد علاقه به متون رشد و توسعه اقتصادی، همکاران محترم می‌توانند به تناسب عنوان فصول کتاب، دانشجویان را جهت تهیه متون علمی و کاربردی مشابه تشویق و راهنمایی نمایند. مجموعه فعالیت‌های دانشجویان در این زمینه می‌تواند به شکل مدون در کتابخانه مرکز محل استقرار و حتی در صورت صلاحدید در کتابخانه مرکزی دانشگاه، برای استفاده دیگر دانشجویان نگهداری شود.

فصل اول

رشد اقتصادی

هدف کلی

هدف کلی فصل اول آن است که دانشجو مفهوم رشد اقتصادی را درک کند و با فرآیند و عوامل مؤثر بر آن آشنا شود.

هدف‌های رفتاری

پس از مطالعه این فصل دانشجو قادر خواهد بود:

۱. رشد اقتصادی را تعریف کند.
۲. شاخص اندازه‌گیری رشد اقتصادی را معرفی کند.
۳. مفهوم رشد اقتصادی را، با رسم شکل، بیان کند.
۴. فرآیند رشد اقتصادی را، با ذکر مثالی، تشریح کند.
۵. عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی را تقسیم‌بندی کند و در مورد هر یک توضیح دهد.
۶. عوامل کمی مؤثر بر رشد اقتصادی را نام ببرد و درباره آن‌ها بحث و اظهار نظر کند.
۷. عوامل کیفی مؤثر بر رشد اقتصادی را نام ببرد و درباره آن‌ها بحث و اظهار نظر کند.
۸. فواید و هزینه‌های رشد اقتصادی را برشمارد.
۹. نقش دولت را در قالب سیاست‌های اقتصادی اثرگذار آن بر رشد اقتصادی بررسی کند.
۱۰. تعریف و ویژگی‌های رشد مدرن اقتصادی کوزنتس را بیان کند.

۱-۱ مقدمه

رشد اقتصادی یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصادی جوامع است. در چارچوب این هدف، افزایش مداوم توان تولیدی و میزان تولید کالاها و خدمات در جامعه مدنظر است.

درواقع در اثر رشد اقتصادی است که نیازهای مصرف‌کنندگان بهتر برآورده می‌شود و استانداردهای زندگی بهبود می‌یابند. از این رو، سیاست‌گذاران اقتصادی با در نظر گرفتن این هدف و اولویت دادن به آن، می‌توانند از یک سو، قادر به پاسخگویی نیازهای افراد جامعه (فردی و جمعی) در جهت ارتقای سطح زندگی آنان باشند. و از سوی دیگر، توانایی رقابت جامعه را در عرصه بین‌المللی ارتقا دهند. ممکن است در برخی جوامع رشد اقتصادی مغایر با ارزش‌های سستی و اخلاقی و حفظ محیط زیست به‌شمار می‌آید.

هم‌چنین، رشد اقتصادی با خود تغییراتی را در روش‌های تولید و نوع محصولات به‌همراه می‌آورد. برای مثال، کالاهای جدید تولید می‌شود و کالاهایی که به دلایلی چون تغییر سلیقه برای‌شان تقاضایی وجود ندارد، از بازار خارج می‌شوند.

رشد اقتصادی دارای مفهومی پویا است و لذا تحلیل آن در درازمدت میسر می‌باشد. بر این اساس اقتصاددانان تلاش کرده‌اند در قالب مباحث، نظریه‌ها و مدل‌های رشد اقتصادی بیان کنند که رشد اقتصادی چگونه تعریف و اندازه‌گیری می‌شود، تحت تأثیر چه عواملی است و با چه مقولات و نهادهایی در ارتباط قرار می‌گیرد.

به‌منظور مطالعه رشد اقتصادی و اهم مباحث مرتبط با آن، در فصل حاضر پس از ارائه تعریف رشد اقتصادی و چگونگی اندازه‌گیری آن، به توضیح فرآیند رشد اقتصادی و معرفی عوامل موثر بر آن پرداخته شده است. در ادامه درباره فواید و هزینه‌های رشد اقتصادی، و سیاست‌های اقتصادی دولت و رشد اقتصادی، بحث شده است. در انتها به‌عنوان پیش درآمدی بر مبحث توسعه اقتصادی و پل میان آن و مباحث این فصل نظریه رشد مدرن اقتصادی کوزنتس ارائه گردیده است.

۲-۱ تعریف رشد اقتصادی

معنای لغوی کلمه رشد، بزرگ شدن است که می‌تواند مثلاً بیانگر افزایش وزن و قد باشد. به‌طور کلی، رشد دارای مفهوم کمی است. به عبارتی دیگر، رشد تغییرات کمی در یک متغیر را بیان می‌کند. برای مثال، وقتی صحبت از رشد جمعیت می‌شود، افزایش در تعداد جمعیت مدنظر است.

رشد اقتصادی نیز مفهومی کمی است که به‌صورت زیر تعریف می‌شود:

رشد اقتصادی عبارت از افزایش در تولید ناخالص ملی^۱ (GNP) یک کشور در یک

۱. عمدتاً منظور تولید ناخالص ملی واقعی (به قیمت ثابت) است.

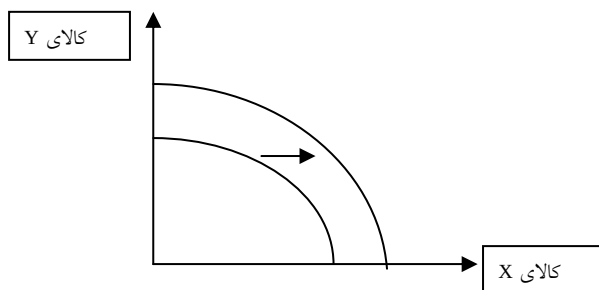
دوره زمانی معین است.

معمولاً برای اندازه‌گیری رشد اقتصادی از دو شاخص مرتبط به هم: رشد تولید ناخالص ملی (واقعی) و رشد تولید ملی واقعی سرانه استفاده می‌شود.

۳-۱ فرآیند رشد اقتصادی و عوامل مؤثر بر آن

برای درک فرآیند رشد اقتصادی فردی را تصور کنید که با حداقل لوازم مورد نیازش در جزیره‌ای محبوس مانده است. او به‌منظور امرار معاش، هر آنچه می‌تواند از بذر و مواد غذایی فراهم می‌آورد و برای خود سرپناهی می‌سازد. تولید ناخالص ملی (GNP) در این جامعه، ارزش پولی غذا و سرپناه فرد مذکور است. او به مرور می‌تواند با کشت محصولات بیشتر و فراهم آوردن ابزار و امکانات بهتر، برای خود سرپناه بهتری تهیه کند. بدین ترتیب «سرمایه فیزیکی» به‌وجود آمده است. از طرف دیگر، آن فرد با شناخت بیشتر نسبت به آن جزیره و شرایط کشت محصول در آن، می‌تواند غذای بهتری برای خود تهیه کند. بدین ترتیب «سرمایه انسانی» به‌وجود آمده است.

از آن‌جا که فرد به کمک این دو نوع سرمایه، زمان کمتری را برای تولید غذا و مایحتاج خود صرف می‌کند، بهره‌وری وی افزایش یافته و می‌تواند نیروی بیشتری را صرف تولید کالاهای دیگری کند. البته باید توجه داشت که او به هر حال، در هر زمان، با محدودیت‌هایی روبه‌رو است. این عوامل در ابعادی بزرگ‌تر، همان عواملی هستند که باعث انتقال منحنی امکانات تولید جامعه به سمت بالا می‌گردند (نمودار شماره یک).



نمودار ۱. منحنی امکانات تولید و رشد اقتصادی؛ رشد اقتصادی باعث انتقال منحنی امکانات تولید به سمت بالا می‌گردد. منحنی امکانات تولید نشان‌دهنده تمام ترکیباتی از دو کالا است که با فرض اشتغال کامل و حداکثر کارایی عوامل و منابع تولید در یک جامعه می‌تواند تولید شود. رشد اقتصادی توان جامعه برای تولید کالاها و خدمات را افزایش می‌دهد.

همان‌طور که قبلاً نیز به آن اشاره شد، رشد اقتصادی به معنی افزایش در تولید ناخالص ملی (GNP) است. و این افزایش در تولید ناخالص ملی بستگی مستقیم به میزان نیروی کار (L)، سرمایه موجود در جامعه (K)، منابع و عوامل طبیعی دارد. با توجه به موارد ذکر شده افزایش در تولید ناخالص ملی (GNP) به چهار طریق میسر است:

نخست: افزایش مقدار نیروی کار که از طریق مواردی چون رشد جمعیت و میزان مشارکت نیروی کار در فرآیند تولید امکانپذیر است (افزایش عوامل تولید از نظر کمی)؛ دوم: افزایش مقدار سرمایه جامعه، که از طریق افزایش سرمایه‌گذاری، پس‌انداز و هزینه‌های بالاسری جامعه، امکانپذیر است. (افزایش عوامل تولید از نظر کمی)؛ سوم: افزایش بهره‌برداری از منابع و عوامل طبیعی موجود، که از طریق مواردی چون اکتشافات و احیای منابع طبیعی امکانپذیر است (افزایش دسترسی به منابع طبیعی از نظر کمی)؛

چهارم: افزایش کارایی و بهره‌وری سرمایه و نیروی کار، که از طریق مواردی چون تغییرات تکنولوژیکی، پیشرفت‌های علمی، امکانپذیر است (افزایش کیفیت عوامل تولید). افزایش بهره‌وری سرمایه و نیروی کار به معنای افزایش تولید هر واحد از سرمایه یا هر واحد از نیروی کار به کار گرفته شده در فرآیند تولید است و می‌تواند باعث افزایش در تولید ناخالص ملی (GNP) گردد.

بنابراین، در این قسمت نیروی کار، سرمایه، سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، سرمایه‌های بالاسری جامعه، اکتشافات منابع، احیای زمین، تغییر تکنولوژی، صرفه‌جویی‌های حاصل از مقیاس و سرمایه‌های انسانی به عنوان عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی مورد بحث قرار می‌گیرند. شش مورد اول از جمله عواملی هستند که از نظر کمی و مابقی از نظر کیفی رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از این رو، عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی در دو گروه کلی عوامل کمی و کیفی بررسی می‌شود.^۱

الف) عوامل کمی مؤثر بر رشد اقتصادی

نیروی کار - برای درک این مطلب که افزایش نیروی کار چگونه باعث افزایش تولید

۱. لازم به ذکر است که دولت نقش سازنده و مؤثری در رشد و توسعه اقتصادی کشورها دارد. حتی بسیاری از عوامل مذکور تحت تأثیر تصمیمات دولت است. به همین دلیل در بخشی مجزا بدان پرداخته شده است.